

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمی از همکاران قلمی

۲۰ سپتمبر ۲۰۲۲

ولایت های افغانستان در مسیر تحولات اجتماعی – اقتصادی

(۴)

پیوسته به گذشته:

بالتر از ۸۰ درصد منابع آبی افغانستان را کوه های هندوکش و بابا تشکیل می دهد و دریا های پراهمیتی چون دریای هلمند، دریای کنر، دریای پنجشیر، هریرود، دریای کابل، دریای غوربند، دریای سالنگ، دریای آمو و... از همین کوه ها سرچشمه گرفته است. این رودخانه ها به اندازه ۱۷ بیلیون متر مکعب آب را در یک سال به جریان می آورد که زمین های آبی را از این دریا ها سیراب و حاصلخیز می کند. مناطق کوهی چون هوای سرد دارد، برای تربیه میلیونها رأس مویشی از قبیل گاو، گوسفند، بز های کوهی به اضافه حیات وحش، مساعد است که متأسفانه در سال های پسین به علت خشکسالی های پیهم و کمبود آب و علف رونق کمتری داشته است. باید تذکر داد که دامداری هائی به شکل ابتدائی و بسیار کم به صورت مدرن در کشور تا همین حالا وجود دارد. در غرب و شمال کشور گاو داری کم و بیش رواج یافته که تولیدات آن نیازمندی همین مناطق را نسبتاً برآورده می سازد. علاوه از مهاجرت پرندگان بحری و غیربحری از مسیر افغانستان در دو نوبت به سوی شمال و جنوب؛ انواع پرندگان به شمول کبوتر، مرغابی، قاز اهلی و غیره در هوای مناسب افغانستان موجود انطباق یافته و نگه داری می شوند. مرغداری سنتی و فارم های عصری مرغداری در این اواخر به شکل فارم های کوچک برای تولید گوشت و تخم مرغ برای مصرف داخلی کشور رشد نسبی یافته است. در بعضی از مناطق افغانستان تربیه انواع گل برای تولید عطر، تربیه زنبور عسل، غرس درختان میوه دار با محصولات تازه و خشک (توت، چهارمغز، جلعوزه، پسته، بادام، زرد آلو، آلو و در این اواخر خرما و غیره)، غرس و تکثیر درختان غیرمثمر بید، چنار و ارچه برای تولید چوب تعمیراتی و چوب مورد نیاز صنعت خیلی زیاد رونق یافته که تولیدات آن به خارج قسماً صادر می گردد.

قبل از آغاز جنگ و تجاوزات امپریالیستی – ارتجاعی، مناطق مرکزی و شرقی افغانستان با آب و هوای صاف و طبیعت زیبا و دل انگیز و جاذب، تفریح گاه سیاحان جهان بود. آثار و بنا های فراوان تاریخی منحصر به فرد در اکناف کشور با میوزیم غنی، عامل مزید جلب جهانگردان خارجی و باستان شناسان و تحقیقات باستانشناسی بود. که متأسفانه جنگ های چهل و چهار ساله در کشور همراه با ویرانی و تاراج آثار تاریخی توسط دزدان و مزدوران جهادی –

طالبی، مانع سیر و سفر سیاحان در این مناطق شده است. این امر به ذاتش، ضربه بزرگی به صنعت توریسم و اقتصاد کشور وارد کرده است.

در مناطق گرمسیر شرقی - تا جنوبغرب از ننگرهار تا هلمند (نباتات خاندان ستروس) مانند نارنج، مالته، کینو، لیمو، به اضافه زیتون، خرما، نیشکر، جوار و سبزی ها می روید. این گونه زمین ها به طور طبیعی سال ۳ بار حاصل می دهند. ولایت های ننگرهار، لغمان، هلمند و قندهار یخچال های فرعی افغانستان است که در چهار فصل انواع سبزی ها در آن کاشته شده و به بازار عرضه می شود. در مناطق مرکزی افغانستان، از شمال شرق رو به جنوبغرب سلسله کوه های مرتفع امتداد یافته که برخی شاخه های آن به سوی غرب و جنوب نیز امتداد یافته است. اکثر این کوه ها سرد و برف گیر اند. شمال، جنوب و غرب افغانستان همه دشت است. به رغم داشتن منابع آب وافر، به دلیل سلطه نظام های پوسیده، ستمگر و استبدادی دودمانی و پوشالی فئودالی - نیمه فئودالی - نیمه مستعمراتی در امتداد قرون (در مقاطعی مستعمراتی)، کشور عزیز ما افغانستان موفق نشده است تا با استفاده از روش ها و تکنولوژی عصری اراضی بایر را آبیاری کرده و در راستای تولید محصولات متنوع نباتی و - حیوانی در آن اراضی وسیع آفتاب سوخته بارور، گام های مؤثری به سوی خودکفائی در تولید محصولات نباتی، به ویژه غلات، بردارد.

سه بخش زراعت، که قبلاً تذکر یافت، طی چهار دهه اخیر با کاهش تولیدات ناخالص ملی مواجه بوده است. نقش زراعت در صنعت کمرنگ بوده، به طور عموم تحت تأثیر عوامل جنگ و تجاوزات استعماری، بی تفاوتی و بی عرضگی نظام های ارتجاعی و وابسته به استعمار، سیاست های تاراجگرانه قدرت های متجاوز استعماری، عدم سرمایه گذاری مؤثر و با برنامه، مهاجرت های روستائیان کشتگر به شهر ها و خارج از کشور، شیوع آفات و امراض نباتی و حیوانی، آلودگی محیط با مواد سمی ناشی از ماشین جنگی اشغالگران بیرونی مزدوران بومی و... حاصلات و برداشت زراعتی را از تزئید به سوی تأمین مصرف باز داشته است.

زراعت در حوزه ولایت هرات:

ستیزه به جانی رساند سخن که ویران کند خاندان کهن

افغانستان با تاریخ پیشینه خود يك کشور زراعتی و مالدار بوده و بالا تر از هشتاد درصد مردم آن به پیشه زراعت مشغول اند. زراعت افغانستان یکی از سه پایه اقتصاد ملی (زراعت، صنعت و تجارت) را ساخته و در مجموع اقتصاد ملی کشور اهمیت بسزا داشته است. اقتصاد زراعتی کشور تا زمان هجوم استعمار انگلیس در اواسط قرن هجدهم میلادی، برای قرون متوالی در چهارچوب اقتصاد فئودالی تنظیم می شد. از زمان یورش استعماری انگلستان به کشور ما از طریق هند به بعد، افغانستان با امیران وابسته و مزدور در رأس دولتش از جمله کشور های نیمه فئودالی - نیمه مستعمره، و از لحاظ اقتصادی و سیاسی وابسته به دولت استعمارگر بریتانیا بوده و تا دهه دوم قرن بیستم با عقب نگهداشتنی وحشت آوری ادامه داشته است. در چنین حالت وابستگی به استعمار و تحت سیطره و استثمار طبقاتی فئودالی، مردم به خصوص دهقانان کم زمین و کارگران زراعی بسختی غذا پیدا می کردند و در گرسنگی به سر می بردند. در زمان امان الله خان پس از حصول استقلال سیاسی هم کدام تغییر و تحول بنیادین رخ نداد و به صورت عموم اصلاحات ناقص روبنائی نتوانست و نمی توانست بنا به خصلت طبقاتی ارکان رژیم امانی به حل تضاد های اساسی جامعه به نفع رشد نیرو های مولده برسد و به حل مسأله ارضی به نفع دهقانان بی زمین و کمزمین بپردازد. در نتیجه در وضع دهقانان (رفع ستم طبقاتی و استثمار فئودالی) بهبودی حاصل نشد. در زمان زمامداری دودمانی خاندان طلائی (نادر غدار، هاشم جلاد، ظاهر عیاش و داوود خودشیفته و مستبد) در نقش نماینده ارتجاع فئودالی - کمپرادوری، هم

قانون پوسیده امیر عبدالرحمن خانی لغو نشد و سیستم قرون وسطائی در مالکیت زمین همچنان بر جامعه افغانی حاکم و مسلط بود. در تحت همین نظام های مستبد، فاسد و فرتوت فوق که پای آن به منافع طبقاتی طبقات استثمارگر و طفیلی بومی و سر آن به استعمار و امپریالیسم جهانی وصل بود، دهقانان و زحمتکشان عملاً به مانند برده به خدمت فئودلان قرار می گرفتند و همواره این نظام های استبدادی و خودکامه که در تداوم حیات ننگین شان مصروف عیش و نوش بودند و به دلیل همین کاراکتر طبقاتی و نیمه مستعمراتی هیچ گاهی به فکر توسعه و انکشاف زراعت کشور و رفورم هائی غرض اصلاحات اراضی که کشور ما را به خودکفائی برساند، و دهقانان را به لقمه نانی، نیفتادند.

با آمدن کودتاگران جلا "خلق و پرچم" طبق برنامه استعماری سوسیال امپریالیسم توسعه طلب شوروی با صدور فرامین عجولانه بوروکراتیک هشتگانه در عرصه های زیربنائی و روبنائی از موضع سرمایه کمپرادوری - بوروکراتیک و در نقش دلال سرمایه انحصاری دولتی امپریالیسم شوروی ضمن تاختن بر زندگی و فرهنگ مردم ما، به اصلاحات اراضی استعماری پرداخته و به جنگ نیمه فئودالیسم سخت جان رفتند. این ضد انقلابیون زحمتکشان و دهقانان کشور را به چاله ها و دشواری فراگیری مواجه ساخته و در معرض انتقام جوئی اربابان خلع ید شده قرار دادند. اصلاحات استعماری روسی بدون آمادگی ذهنی دهقان مسلمان، برای هر دهقان يك هکتار زمین دادند که خرج معیشت و زندگی او و خانواده اش را به هیچ عنوان تأمین نمی کرد و صرف مالکیت بر تکه خاک بود. کود، تخم بذری و حیوان (گاو قلبه نی) که توسط آن زمین را شخم می زد، همراه با وسائل ابتدائی حتی قرون وسطائی را هم دهقان ما نداشتند. این اصلاحات استعماری و دادن تکه زمین به دهقانان در بدل باج خون از آنان، جز خاک بر چشمان دهقانان پاشیدن، کدام اصلاح و بهبودی را در زندگی دهقانان تحت ستم کشور در پی نداشت.

بعد از فروپاشی و انهدام دولت ضد دموکراتیک "خلق و پرچم"، در بدو امر غاصبان زمین و ثروت، و برباد دهندگان عزت و آبروی خلق افغانستان یعنی "چپاولگران جهادی، و ملیشیائی" توسط امپریالیسم و ارتجاع منطقه به حاکمیت انتصاب شدند. این تازه واردان چپاولگر مشغول دزدی، غارت، ویرانی و غصب زمین های زراعتی شدند که بیش ترین ضربات را در جنگ های ذات البینی این جنایتکاران به دهقانان و اقتصاد زراعتی و شبکه های آبیاری و مواصلاتی وصل کننده روستا های کشور به شهر ها (بازار) وارد نموده و زندگی رقتباری را همراه با رنج و عذاب به مردم زحمتکش ما میراث گذاشته و همان مناسبات فرتوت فئودالی را با ورود کمپرادوران جهادی - سیکولار، در زیر بنا (مالکیت اربابی بر زمین) و روبنا احیاء و باز تولید کرده و تحکیم بیشتری بخشیدند.

برادران طالبی جهادی ها پس از پر کردن جای جهادی های تنظیمی، با صدور فرمان شماره ۵۷ خویش تمام زمین هائی را که اسلاف شان برای دهقانان توزیع نموده بودند، دو باره به مالکان قبلی آن برگشتانده و حتی مبلغی را برای جبران حاصلات سال های گذشته بر دوش زحمتکشان و دهقانان گذاشتند تا برای فئودالان قبلی بپردازند.

نظام پوشالی مرکب از خیل وطن فروشان اخوانی، تکنوکرات و بقایای "خلق و پرچم"، از ابتدای تجاوز امپریالیست ها تا کنون از کرزی تا احمدزی و همین اکنون "امارت اسلامی" خودخوانده طالبانی همه مصروف حیات ننگین و خدمت به استعمار - ارتجاع در تداوم جنگ نیابتی هستند که ایالات متحده آمریکا و ناتو با متحدان شان در یک سمت و روسیه و چین با متحدان شان در سوی دیگر، در کشور ما، طی بیشتر از دو دهه فروخته اند.

مزدوران افراطی طالبی در نقش پروژه نواستعماری قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی بیرونی دور و نزدیک و در نقش شرکای بومی این دزدان و چپاولگران ثروت ملی مردم ما، برای تقویت سلطه گری و غارتگری مستقیم و غیرمستقیم استعماری چپاولگران امپریالیستی تلاش می ورزند. اگر دیروز نظام پوشالی "کرزی و غنی" دستور و برنامه های امپریالیسم جهانخوار برای بهره کشی انسان زحمتکش و غارت داشته های ملی ما را بلاوقفه اجراء کرد،

امروز کماکان مزدوران طالبان بدون چون چرا و با زور تفنگ دست به چنین اعمالی می زنند، کوچ های اجباری دهقانان و زحمتکشانشان از سر مزرعه و سیاست غصب اراضی دهقانان و جابه جایی سیستم فئودالی نوع عبدالرحمن خانی همه گواه این مدعا است.

از دهه های گذشته تا اکنون، چه در حاکمیت پوشالی و ضد مردمی "کرزی و غنی - عبدالله" و چه در دوره امارت دوم فئودال - کمپرادور های طالبانی، نود درصد زمین های زراعتی، فارم های زراعتی و سائر ملکیت های دولتی در اختیار فئودالان و سرمایه داران تاراجگر و کمپرادور - مافیای جهادی قرار داشته است. این یورش غارتگرانه، ارتجاعی، دهقانان را بیشتر از پیش محتاج و تحت ستم قرار داده است و هیچ گاه به لقمه نانی نرسیده و نخواهند رسید. رشد و توسعه زراعت یا اصلاحات ارضی در کشور تحت ستم ما که بتواند حداقل از واردات غلات مثل گندم برنج و سائر اقلام حبوبات در کشور هم بکاهد و دهقانان را از این ورطه غم انگیز نجات دهد، بنا به تحمیل سیاست مخرب لیبرالیسم نو و "تجارت آزاد" دیکته و تحمیل شده از سوی امپریالیست های جهانخوار و اشغالگر امریکائی و شرکاء، عمداً از برنامه توسعه ای حکومت های دست نشانده همدست شان در افغانستان حذف شده است.

با تمام این مصائب وارده و تحمیلی، هرات هم جزء لاینفک افغانستان از این معضلات پیچیده و مناسبات گره خورده با سیاست های استعماری دول متجاوز و اشغالگر امپریالیستی در کشور مستعمره و کنون نیمه مستعمره ما جدا نبوده و نیستند. در نتیجه زحمتکشانش زراعتی روستا های هرات مثل سائر کشتکاران کشور با روش های حاکم و مرسوم قرون وسطائی از آن سوی قرون تا حالا و در محدودیت ها و تنگنا های ایجاد شده توسط امپریالیسم و ارتجاع حاکم در سیستم زراعت افغانستان، جان می کنند، ولی به لقمه نانی نمی رسند.

هرات از لحاظ آب، خاک و زمین های هموار با آب فراوان و وضعیت هموار اراضی، از گذشته تا حال بستر مساعدی برای کشت و زراعت، مالداري، پیشه وری و صنعت بوده است. هرات با پیشینه تاریخی خود در قسمت تولید انواع حبوبات، سبزی ها و میوه ها، حائز اهمیت بوده است.

به قول معین الدین محمد زمچی اسفرائی:

"رود هرات که به رود مالان اشتهار دارد، در میان قریه و بلوکات می رود و دو طرف خود تمامی مواضع و مزارع را آب می دهد و در ایام بهار سه هزار سنگ آب سیل در این رود می آید و تمام مزروعات و باغات را سرسبز و از سرخس و خاشاک می گذرد و از قرای این شهر ها چندین قریه است که با شهر ها و ولایت ها برابری می کند و دیگر از قریه ها سیوشان است که سی هزار خروار انگور در وی به تحریر آمده و سائر القریجات علی القیاس".

هرات با مساحت ۶۳۱۱۴ کیلومتر مربع و با داشتن ۶۳۱۱۴۰۰ هکتار زمین معادل به ۳۰۷۵۰۰۰۰ جریب زمین و با حجم ۶۰۲ میلیارد مترمکعب آب از دریای هریرود با "۹" بند آب گردان ۲۷ کانال بزرگ و ۳۰۲ کانال کوچک آبیاری و به تعداد ۴۶۰ کاریز و ۳۵۰ چشمه و ۴۷۵ چاه عمیق و نیم عمیق؛ بیشتر از ۲۴۲۷۹۴ جریب زمین آبی و ۱۳۹۰۵۵ هکتار زمین للمی بستر خوبی برای رویش تولیدات زراعتی محسوب می شود. هرات با تاریخ کهنش در قسمت باغداری و کشت نهال های مثمر، انواع میوه ها و زرع زعفران؛ ید بالائی داشته که باغ ها با هم متصل یکدیگر و عمارت های ارجمند، باغ ها و مناظر بهشت مانند ای را در دامنش داشته است.

ادامه دارد